ادامه از صفحه اول

دیوار کوتاه اصلاح‌طلبان

۲- ظاهراً حدود مسئولیت اصلاح‌طلبان تا سماوات گسترده است. هر اتفاقی در هر گوشه ایران بیفتد، به زعم برخی، باید آنان اولین نخودهای هر آش باشند. اگر در جایی به محیط زیست یک منطقه تعرض شد یا میراث فرهنگی در شهری آسیب دید، آنها باید به میدان بیایند. اگر کارگری از حقوقش محروم شد یا معلمی نسبت به دریافتی‌اش معترض بود، اصلاح‌طلبان باید اعتصاب به راه بیندازند. اگر یک گروه دانشجو یا جوان دوست داشت اعتراضی به راه بیندازد، اصلاح‌طلبان باید قبلا کارد حفاظت از آنها را ترتیب دهند و اگر کسی دستگیر شد، پلیس و دادستان و قاضی را مورد عتاب قرار دهند و مقتدرانه زندانیان را از بند بیرون بکشند. گروه‌های معترض حق دارند، هرجا، به هرشکل، با هرلحن، با هر شعار و با هر عملی خشمشان را خالی کنند و حتی علیه خود اصلاح‌طلبان شعار دهند، اما اصلاح‌طلبان موظف‌اند تحت هر شرایطی از هر نوع معترضی حمایت بی‌قیدوشرط کنند، وگرنه «حامیان و متحدان سرکوب‌اند» یا «از جریان‌های اعتراضی عقب‌مانده‌اند» یا «اصلاح‌طلبان حکومتی‌اند». در اینجا نیز فرض بر آن است که هر شهروند معترضی از هر مسئولیتی در قبال شیوه‌ای که در پیش گرفته، مبراست و هر آنچه مسئولیت است بر عهده اصلاح‌طلبان نهاده شده است! حقیقت چیست؟ اصلاح‌طلبان یک جناح سیاسی متکثر و تاثیرگذارند، اما بیش از توان و قدرت سیاسی‌ای که دارند پاسخ‌گو نیستند؛ همین‌طور دولت میانه‌روی روحانی. این دولت به‌اندازه قدرت و اختیاراتش پاسخ‌گوست. ای کاش آنها که دولت را عتاب می‌کنند چون دستشان به دیگران نمی‌رسد، صادقانه می‌پذیرفتند که چون یارای مخاطب قراردادن دیگران را ندارند، از سرناچاری دولت را خطاب قرار می‌دهند. متأسفانه چنین نیست. گویی جماعتی از تحول‌طلبان مملکت یک راه برای کسب مطالبات خود بیشتر نمی‌دانند: اصلاح‌طلبان را بیندازند جلو و خود از پشت‌سرشان طلبکاری کنند و آن‌گاه که کار به مویی می‌رسد و حمایت از آنان کارساز است، دریغ کنند. حقیقت آن است که اصلاح‌طلبان هیچ سندی نسپرده‌اند که پیشتاز همه جنبش‌های اجتماعی‌اند. اصلاح‌طلبان برای همه جنبش‌های اجتماعی پیشرو و روبه‌تعالی احترام قائل‌اند، اما مدعی به راه‌انداختن هیچ جنبشی نیستند. اصلاح‌طلبی یک رویکرد سیاسی-اجتماعی است که در قالب تشکل‌های شناسنامه‌دار، با همه ضعف‌ها و قوت‌هایشان، تبلور یافته است، اما یک جنبش زیروروکننده نیست. جنبش‌های اجتماعی فرازوفرودهای خود را دارند و هیچ حزب یا جناح سیاسی‌ای نمی‌تواند مدعی هدایت آنها باشد، اما اصلاح‌طلبان بر خود فرض می‌دانند مطالبات و خواست‌های به‌حق آنان را در سطوح حاکمیتی، در قالب قانون، آئین‌نامه و دستورهای مدیریتی تحقق بخشند. بنابراین در یک کلام، ضمن آنکه اصلاح‌طلبان به‌مثابه بخشی از مردم ایران، در صورت لزوم، حق تظاهرات و اجتماعات مردمی را برای آنان قائل‌اند. بر این گمان نیستند که قیم تمام حرکت‌های اعتراضی مردمی، اعم از مسالمت‌جویانه یا خشونت‌آمیز هستند. این چه تصوری است که برخی دارند که هر صدایی از جایی برخاست اصلاح‌طلبان موظف‌اند در صف نخست آن قرار گیرند؟

۳- چندوچون و ابعاد حرکت‌های اعتراضی اخیر هنوز کاملا روشن نیست. شواهد نشان می‌دهد رسانه‌های آن‌سوی آب، به قول امروزی‌ها، پیچ ولوم آن را زیاد بالا بردند و گستردگی حرکت‌ها را بیش از آنچه بود، دیدند. البته وقتی زلزله می‌آید کمی طول می‌کشد تا غبارها بخوابد و ابعاد خسارت‌ها درست برآورد شوند. ظاهراً تعداد شهرهایی که در آنها اتفاقاتی افتاد، زیاد بود اما جمع‌شدن گروه‌های چندصد نفری از معترضان در شهرهای چندده‌هزار نفری تا چه حد حاکی از یک موج اجتماعی است؟ سمت‌وسوی اعتراضات به چه سمتی است؟ آیا این جنبش واقعا جنبش محرومان اقتصادی است یا نارضایتی‌های فرهنگی و اجتماعی هم زمینه‌ساز بوده‌اند؟ آیا عوامل خارجی در تحریک ناآرامی‌ها نقش داشته‌اند؟ و ده‌ها پرسش دیگر. همه اینها جای بحث و بررسی دارد، شاید این کار صورت نگیرد یا صورت گیرد اما نتایج آن با شفافیت منتشر نشود. اما قدر مسلم اگر کسی از ابتدا و بدون شواهد کافی روی فرضیه‌ای خاص تکیه دارد (مثل اصولگرایان عجولی که خواستند از این نمد کلاهی ضد دولت ببافند). شاید بیشتر به دنبال سوءاستفاده از ماجراست.

۴- نوع برخورد نهادهای حکومتی با اعتراضات اخیر شاید کم‌اهمیت‌تر از خود اعتراضات نباشد. نیروی انتظامی موفق شد بدون استفاده از سلاح گرم، یک موج اعتراضی را مهار کند. این گامی مهم به سمت جامعه‌ای مدنی است. البته هنوز تا رسیدن به یک بلوغ و تجربه عمیق در برخورد با اغتشاشات اجتماعی بسیار فاصله داریم. اما همین مقدار نسبت به گذشته‌ها پیشرفتی بزرگ است. برخی تحلیلگران خارجی بر این تصور بودند که با موج متقابل خشونت از سوی پلیس و نیروهای ضداغتشاش، این موج فراگیرتر می‌شود و ایران در مسیر سوریه‌ای‌شدن پیش می‌رود. خوشبختانه چنین نشد. آرامش و سعه‌صدر پلیس و نیروهای امنیتی، فعال‌شدن دولت و وزارت کشور، تحرک به‌موقع شوراهای تأمین استان و شهرستان و بالاخره هماهنگی میان نیروهای درگیر در صحنه، منجر به مدیریت کم‌هزینه و مؤثر ماجراها شد. دراین‌میان، البته متأسفانه تعدادی کشته شده‌اند که بنا به اظهارات مقامات مسئول هیچ‌کدام با سلاح نیروهای مسئول حفظ نظم نبوده است. تصور می‌کنم گزارش مبسوط و مستندی از تک‌تک قتل‌های صورت‌گرفته برای افکار عمومی روشنگر باشد.

ادامه در صفحه ۱۴

دادستان عمومی و انقلاب تهران خبر داد

پرونده قضائی حادثه سانچی مفتوح است

پرونده حادثه سانچی به کمیته بررسی سوانح رفته و در شرایط حساس کنونی به صحبت‌های مقامات رسمی استناد می‌شود

شرق: یک روز پیش از برگزاری مراسم بزرگداشت جان‌باختگان حادثه نفت‌کش سانچی که بناست با حضور رئیس‌جمهوری در مدرسه عالی شهید مطهری برگزار شود، عباس جعفری‌دولت‌آبادی، دادستان عمومی و انقلاب تهران خبر داد پرونده قضائی حادثه سانچی مفتوح است. جعفری‌دولت‌آبادی گفته: «طبق قانون مجازات اسلامی چنانچه در رابطه با اتباع ایرانی در خارج از کشور حوادثی رخ دهد، ما می‌توانیم این موضوع را پیگیری کنیم». به گزارش «میزان»، او همچنین گفته: «به‌دلیل آنکه از حادثه دور هستیم و باید اطلاعات و دلایل آن را به دست آوریم، با همکاری دادستانی کل و وزارت امور خارجه حقوق جان‌باختگان پیگیری خواهد شد». پیش‌تر، دادستان کل کشور نیز با صدور دستور ویژه‌ای به معاون حقوق عامه دادستانی کل خواستار بررسی علت بروز حادثه نفت‌کش سانچی شده بود. این اخبار در حالی منتشر می‌شود که واکنش‌ها به تعلل یا عدم تعلل چین در امداد و نجات، کماکان ادامه دارد. اسداله قره‌خانی، عضو کمیسیون انرژی، عملکرد چین در حادثه نفت‌کش سانچی را زیر سؤال برده و گفته: «چین به‌عنوان کشوری که سال‌ها با ایران فعالیت و همکاری تجاری داشته، در این حادثه به درستی عمل نکرده است». او در ادامه افزود: «در چهار روز اول حادثه، چینی‌ها ترجیح داده بودند برای جلوگیری از آلودگی زیست‌محیطی و ایجاد مواد سمی، کل مواد بسوزد (و فقط) از زمانی که دولت برای پیگیری حادثه سانچی ستاد بحران تشکیل داد و ملاقاتی با سفرای چین و ژاپن انجام شد، چینی‌ها نیز به صورت جدی‌تر وارد کار شدند». او پیش‌تر موضوع سؤال از محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه را به‌منظور پاسخ به این پرسش که چرا سفیر کشورمان برای پیگیری موضوع، بعد از چهار روز از حادثه، از پکن به شانگهای رفت، مطرح کرده بود. در مقابل، یک عضو دیگر کمیسیون انرژی مجلس گفت تا کنون نشانه‌ای مبنی بر کوتاهی چین در امدادرسانی به سرنشینان نفت‌کش سانچی وجود ندارد. جلال میرزایی با اشاره به طرح ابهاماتی درخصوص قصور احتمالی دولت چین در امدادرسانی به سرنشینان کشتی سانچی، گفت: «ما نباید درباره مسائلی که اطلاع دقیقی از آن نداریم پیش‌داوری کنیم؛ آن هم در مورد کشوری که روابط گسترده‌ای با آن داریم. چه‌بسا جریانی به دنبال این است که این موضوع را بهانه‌ای کند تا باعث تیرگی روابط ما با چین شود». او در ادامه به این نکته اشاره کرده: «ما باید در قالب یک هیئت کارشناسی و فنی این موضوع را بررسی کنیم که آیا کوتاهی از طرف دولت چین رخ داده یا خیر و نباید این موضوع را در سطح موضع‌گیری‌ها تقلیل دهیم. در واقع باید اجازه دهیم تیم کارشناسی موضوع را بررسی و ابعاد قضیه را تحلیل کند تا ببینیم چه نتایجی به دست می‌آید». پیش‌تر بارها و بارها شاهد بودیم که علی ربیعی، نماینده ویژه رئیس‌جمهور در بررسی حادثه سانچی، فرازنده مدیرکل آسیای شرقی و اقیانوسیه وزارت امور خارجه، بروجردی و برومندی رئیس و نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی که نماینده مجلس در بررسی این حادثه بودند، به دفاع از عملکرد چین پرداختند و همین امر، نگرانی‌ها و البته شائبه‌هایی را ایجاد کرده بود.

شرایط کنونی بسیار حساس است

این اظهارنظرهای مختلف در شرایطی مطرح می‌شود که اکنون به گفته معاون دریانوردی سازمان بنادر و دریانوردی، پرونده حادثه سانچی به کمیته بررسی سوانح رفته و در این موقعیت، به صحبت‌های مقامات رسمی استناد می‌شود. به گفته او، علت این حادثه بسیار دارای اهمیت است و به‌همین دلیل شرایط کنونی بسیار حساس است. هادی حق‌شناس به «شرق» می‌گوید: در مراجع جهانی و همین‌طور در مراجع رسمی کشور، اظهارات مقامات مسئول، بعدا مبنا قرار می‌گیرد. هرگونه اظهارنظری که از سوی مقامات رسمی کشور بیان می‌شود، می‌تواند مبنا باشد. مسئله آن است که پرونده تصادم کشتی سانچی و کریستال وارد مرحله حقوقی بررسی کمیته سوانح شده است. در این مرحله، ما باید تأمل کنیم تا نتیجه بررسی این کمیته مشخص شود و تازمانی‌که جعبه سیاه گشوده و رمزگشایی نشود، هیچ اظهارنظر مبنایی نمی‌توان کرد و هرچه بیان می‌شود، صرفا حدس و گمان و ذهنیت گوینده است. او می‌افزاید: کمیته سوانح متشکل از ایران، چین، پاناما و هنگ‌کنگ است که البته بنگلادش نیز به‌علت آنکه دو خدمه کشتی ایرانی از این تابعیت بوده‌اند، درخواست حضور کرده است.

یک حقوق‌دان: اظهارنظر مقامات مورد استناد مراجع بین‌المللی است

بهمن کشاورز، حقوق‌دان و رئیس پیشین اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران نیز در این زمینه به «شرق» می‌گوید: «بین موارد مطروح در زمینه امور بین‌الملل و حقوق داخلی تفاوت‌های بسیاری است که ما به آن متعرض نمی‌شویم. نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است اینکه در حقوق بین‌الملل، آنچه مسئولان و مقامات اصلی و مأموران دولت می‌گویند، حتی وقتی مثلا در یک جلسه سخنرانی یا مصاحبه و امثال این موارد حضور داشته باشند، سابقه می‌شود و می‌توان به آن استناد کرد». او ادامه می‌دهد: «اگر حافظه خطا نکند، در پرونده‌های داوری اختلافات ایران و ایالات متحده آمریکا، موضوع قرارداد الجزایر به‌کرات مطرح شد و باعث ترتب آثار نیز قرار گرفت. بازهم اگر حافظه‌ام خطا نکند، در موضوع پذیرش تابعیت مضاعف در آن دیوان، این مسئله تأثیر مشخصی داشت. برای مثال در دعوای داوری بین دو کشور که یک کشور مثلا مدعی مالکیت جزیره‌ای نزدیک به آب‌های ساحلی خود است، طرف مقابل استناد می‌کند معاون وزیر امور خارجه کشورِ خواهان، در سخنرانی خود در انجمن دوستداران خاورمیانه، صراحتا گفته است: «مناقشات و منازعات موجود بین دو کشور X و Y در باب جزیره فلان، بی‌مورد به نظر می‌رسد، زیرا با اعمال اصل تنصیف، دو کشور می‌توانند مشترکا آن را اداره کنند». واضح است در چنین حالتی ادعای مالکیت کشوری که دیپلمات آن چنین حرفی زده به‌آسانی در معرض تزلزل قرار می‌گیرد». کشاورز براین‌اساس نتیجه می‌گیرد: «بنابراین با توجه به اینکه در تحلیل نهایی، هیچ کشوری دوست مطلق یا دشمن مطلق نمی‌تواند باشد و در پیداکردن دوستان و دشمنان و اولویت‌بندی آنان صرفا به مصالح و منافع ملی باید توجه کرد، بنابراین اینکه مثلا در فلان مورد چیزی نگوییم که فلان کشور دوستمان برنجد، در مواردی که هنوز تکلیف آن روشن نیست، دولتمردان و دیپلمات‌ها و سیاست‌مداران ما باید از اظهارنظر شخصی و غیرکارشناسانه خودداری کنند و فقط اظهاراتی داشته باشند که قبلا بر مبنای سیاست‌های کلان و حتی خرد دولت مورد اصل قرار گرفته و جهت‌گیری نسبت به آن، تعیین و قطعی شده باشد». رئیس پیشین اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران با برقراری ارتباط بین اظهارات فوق و اظهارنظر مسئولان پس از حادثه سانچی می‌افزاید: «این مورد را درخصوص کشتی سانچی و آنچه بر آن گذشت، می‌توان مثال زد که درست است چین فعلا دوست ما و مثلا حامی ما در شورای امنیت است، اما هیچ تضمینی نیست که این کشور و سایر کشورهای هماهنگ با آن (که البته همچنان که اشاره شد تعداد آنها اندک است)، درصورتی‌که در هر موردی منافع و مصالح ملی خود را در مخالفت با ما تشخیص دهند، برای موضع‌گیری در مقابل ما، کوچک‌ترین تردیدی به خود راه دهند. بنابراین همگی باید به یاد داشته باشیم ما اتباع کشوری به اسم ایران هستیم که البته جمهوری و اسلامی است، اما مصالح و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در محدوده مسائل خود آن و مردمش باید ارزیابی شود. این مورد در طی زمان در مواردی ثابت شده است. والله‌اعلم».

روبات ارزیاب به‌دنبال بازماندگان

این اخبار در حالی منتشر می‌شود که در همین روز، به گفته سخنگوی شرکت ملی نفت‌کش، یک روبات ارزیاب برای بررسی وضعیت نفت‌کش ایرانی به محل غرق‌شدن این نفت‌کش منتقل شده است. محسن بهرامی با بیان اینکه چین روبات ارزیابی را برای بررسی وضعیت سانچی در نظر گرفته بود، به ایسنا گفت: روبات به زیر آب منتقل شده و عملیات در جریان است، اما به نظر می‌رسد این عملیات بیشتر از آنچه ما فکر می‌کردیم، به زمان نیاز دارد. او با تأکید بر اینکه روبات مذکور برای عکس‌برداری به زیر آب منتقل می‌شود، ادامه داد: درحال‌حاضر روبات زیر آب است، اما هنوز به سانچی نزدیک نشده است. به‌طورکلی به نظر می‌رسد هم عملیاتی تست و هم عملیات عکس‌برداری از سانچی به زمان زیادی نیاز دارد. ما گمان می‌کردیم در چند ساعت این کار انجام خواهد شد، اما این‌طور نیست.

پاناما: سانچی پروتکل‌های امنیتی را رعایت کرده است

در همین رابطه مقام‌های اداره ناوگان بازرگانی پاناما براساس بررسی‌های اولیه می‌گویند نشانه‌ای مبنی بر اینکه کشتی نفت‌کش سانچی پروتکل‌های امنیتی را نقض کرده باشد، وجود ندارد. به گزارش «تسنیم»، مقام‌های مسئول در ناوگان دریایی پاناما بعد از بررسی‌های اولیه اعلام کرده‌اند نفت‌کش ایرانی که در دریای چین شرقی غرق شد، تشریفات اداری را مطابق قاعده رعایت کرده است. فرناندو سولارزانو، رئیس اداره ناوگان بازرگانی پاناما در گفت‌وگو با رویترز تصریح کرد نشانه‌ای مبنی بر نقض پروتکل امنیتی از سوی کشتی سانچی وجود ندارد. او با وجود این اضافه کرد تحقیقات درباره این حادثه ممکن است ماه‌ها یا حتی سال‌ها به طول بینجامد. او در مصاحبه گفت: «این کشتی تمامی گواهی‌نامه‌های معتبر فنی و ضمانت‌نامه‌های مالی لازم در توافقات بین‌المللی را همراه داشت». سولارزانو گفت تیمی متشکل از کارشناسان چین، ایران و هنگ‌کنگ برای تعیین علت تصادف، «رکوردر اطلاعات» سانچی را بررسی خواهند کرد. «رکوردر» دستگاهی است که اطلاعات مربوط به حرکت کشتی را ثبت می‌کند.

مرکز پژوهش‌های مجلس در بررسی بودجه هدفمندی یارانه‌ها پیش‌بینی کرد

تکرار طرح شکست‌خورده بنگاه‌های زودبازده

شرق: در تبصره‌های ۱۴ و ۱۸ لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ به موضوع هدفمندکردن یارانه‌ها و افزایش قیمت حامل‌های انرژی پرداخت شده است. طبق تبصره ۱۴، سهم سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها از منابع حاصل از فروش داخلی حامل‌های انرژی، ۳۷هزارمیلیارد تومان تعیین شده است. همچنین در مصارف سازمان مزبور ۲۳هزار میلیارد تومان بابت پرداخت یارانه نقدی در نظر گرفته شده است که به معنای حذف حدود ۳۳میلیون نفر از جامعه هدف قانون هدفمندکردن یارانه‌هاست. نکته مثبت تبصره۱۴ عدم اجازه برداشت از بودجه عمومی دولت به‌منظور تأمین مصارف سازمان هدفمندسازی است. به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در تبصره ۱۸ لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ پیشنهاد افزایش قیمت حامل‌های انرژی برای کسب ۱۷هزارو ۴۰۰میلیارد تومان درآمد جدید مطرح شده است. این پیشنهاد شیوه افزایش قیمت حامل‌های انرژی را مشخص نکرده است؛ بنابراین آثار و تبعات اجتماعی آن را نمی‌توان تعیین کرد. علاوه بر این مصارف این تبصره نیز کاملا مبهم و نامشخص است و به نظر می‌رسد تکرار طرح شکست‌خورده بنگاه‌های زودبازده سال ۱۳۸۵ است. همچنین گفتنی است این تبصره مغایر قوانین بالادستی از جمله قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، ماده ۳۹ قانون برنامه ششم توسعه و ماده یک قانون الحاق برخی مقررات به قانون تنظیم برخی از مقررات مالی است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود ضمن حذف بند الف تبصره ۱۸ منابع حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی در تبصره ۱۴ لحاظ شود و مصارف آن با نگاهی به قوانین پیش‌گفته بازنویسی شود.

ابهام در شیوه افزایش قیمت حامل‌های انرژی

در تبصره ۱۸ به‌طورکلی به مابه‌التفاوت افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۶ اشاره شده و مشخص نیست کدام گروه از حامل‌های انرژی مشمول افزایش قیمت هستند. این در حالی است که در قانون هدفمندکردن یارانه‌ها حامل‌های انرژی به‌صورت مجزا تعیین‌تکلیف شده‌اند. این موضوع بر ابهام‌های تبصره ۱۸ افزوده است.

گزینه پیشنهادی: افزایش قیمت گاز طبیعی و سهمیه‌بندی بنزین

در این گزینه درباره بنزین سهمیه‌بندی اعمال می‌شود تا آثار تغییر قیمت بر دهک‌های پایین جامعه که عموما کم‌مصرف‌تر هم هستند کاهش یابد. البته در اجرای این گزینه لازم است با استفاده از پیشرفت‌های حاصل‌شده در مدیریت مصرف نفت و گاز و تعمیم آن به تاکسی‌ها و وانت‌بارها از مشکلات و مفاسد احتمالی سهیمه‌بندی پیشگیری کرد. در این گزینه بنزین سهمیه‌ای ۱۵ درصد و بنزین آزاد به قیمت فوب خلیج فارس افزایش قیمت می‌یابد و به‌طورکلی بنزین آزاد از نظام قیمت‌گذاری دولتی خارج می‌شود. علاوه‌براین قیمت گاز طبیعی و سایر فراورده‌ها ۲۰ درصد افزایش می‌یابد. در مجموع مابه‌التفاوت افزایش قیمت حدود ۱۷هزارو ۲۰۰میلیارد تومان خواهد بود.

شفاف‌نبودن مصارف

آخرین نقدی که به تبصره ۱۸ لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ وارد است، در حوزه مصارف این تبصره است. در این تبصره فقط به ذکر عبارت «در جهت حمایت از طرح‌های تولید، اشتغال و آموزش و کمک به کارورزی جوانان دانش‌آموخته دانشگاهی» برای بیان مصارف آن اکتفا شده است. این اقدام از چند جنبه مورد نقد است؛ نخست ابهام و کلی‌گویی در بیان نوع مصارف، دوم مرجع نامناسب تصمیم‌گیری برای تخصیص منابع، سوم احتمال استفاده از منابع در بودجه جاری کشور و در نهایت رعایت‌نکردن قوانین موجود در تخصیص منابع به مصارف.

ایجاد دوگانه غیرواقعی اشتغال-تورم

دولت در قالب تبصره ۱۸ به‌دنبال افزایش قیمت حامل‌های انرژی و استفاده از منابع صندوق توسعه ملی و بانک مرکزی برای ایجاد اشتغال است؛ بنابراین می‌توان گفت دولت هم‌زمان با ایجاد تورم به دنبال افزایش اشتغال است. این در حالی است که همان‌طورکه دولت یازدهم نیز همواره تأکید می‌کرد مسیر اصلی اشتغال در کشور، بهبود مستمر فضای کسب‌وکار است و نه افزایش قیمت‌ها و استفاده از منابع آن برای تولید شغل آن‌هم با شیوه‌ای بسیار مبهم. اجرای این شیوه این تصور را ایجاد می‌کند که تنها راه ایجاد اشتغال، ایجاد تورم است و اگر تورم نباشد؛ حتما رکود رخ می‌دهد که یک دوگانه غیرواقعی است.

ادامه از صفحه اول

خیانت کریستال به سانچی؟

ارزش آن از نفت بیشتر است و کیفیتی بین نفت و گاز دارد. همچنین فراریت آن از نفت بیشتر و از بنزین کمتر است و در واقع، خود ماده اولیه تهیه برخی از بنزین‌های با کیفیت بالاست.

اگر میدانی که میعانات گازی از آن استخراج می‌شود، گاز خطرناک سولفیدهیدروژن داشته باشد، تنها درصدی از این گاز در میعانات گازی محلول خواهد بود و معمولا خطر میعانات گازی از نظر آلوده‌کردن محیط به سولفیدهیدروژن صدها بار کمتر از گاز محتوای آن است. برای صادرات میعانات گازی نیز معیارهای مشخصی وجود دارد؛ برای مثال، میزان آب و نمک موجود در نفت نمی‌تواند از 10 ptb (جزء در هزار بشکه) بیشتر باشد یا میزان سولفیدهیدروژن محلول در میعانات گازی باید زیر 20 ppm (جزء در میلیون) باشد.

هر کشتی یا دکل در دریا قوانین مشابهی به این شرح دارد:

۱. نقاطی به‌عنوان نقاط تجمع برای مواقع اضطراری وجود دارد. در نقاط تجمع، ماسک و کپسول، جلیقه نجات و قایق نجات به اندازه همه نفرات کشتی و دکل موجود است. هر دو سمت کشتی (Port و Starboard) دارای نقاط تجمع هستند و در صورت بروز سانحه در یک سمت، می‌توان از سمت دیگر استفاده کرد.

هر خطری، آژیر و رنگ چراغ مخصوص خود را دارد (برای مثال آتش، گاز یا آژیر ترک کشتی یا دکل). همچنین معمولا مانورهای هفتگی نیز برای حفظ آمادگی پرسنل در دریا اجرا می‌شود.

۲. قایق‌های نجات از جنس فایبرگلاس و سرپوشیده‌اند. در آنها مقداری امکانات اولیه فراهم است و برای دورشدن از سانحه طراحی شده‌اند (و نه دریانوردی). از سوی دیگر، به سیستم ضدآتش مسلح هستند؛ اما این سیستم ضدآتش فقط یک مسیر لوله در قسمت بیرونی بالای قایق است که آب دریا را با پمپ کوچکی از پایین کشیده و اندکی بدنه قایق را خیس می‌کند و اگر حجم آتش گسترش یابد، کارایی نخواهد داشت. پس تصور اینکه در مقیاس حوادثی مانند سانچی کارایی داشته باشد، غیرمعقول است.

۳. نفت‌کش‌ها و کشتی‌های بزرگ مجهز به چندین سیستم رادار و مسیریابی هستند و گمان بر اینکه بدون ابزار مکان‌یابی و مسیریابی به راه خود ادامه می‌دهند، محلی از اعراب ندارد.

۴. شناورهای بزرگ، قدرت مانور پایینی دارند و ممکن است برای اجتناب از برخورد، ناچار باشند از فواصلی مانند هشت یا ۱۰کیلومتری برای تغییر مسیر اقدام کنند. پس اگر قرار است برخوردی صورت گیرد، از آن فاصله همه در جریان وقوع آن خواهند بود.

۵. یک میلیون بشکه میعانات گازی به تنهایی و بدون سوخت کشتی برای ساختن یک هنگامه آتش کافی است. طبیعی است که گرمای ناشی از آتش، باعث تبخیر میعانات گازی و اشتعال و انفجار آن می‌شود. نباید تصور شود که میعانات گازی به حالت گاز در محیط موجود است؛ اما طبیعی است هر مایعی با گرما تبخیر می‌شود و از فاز مایع به فاز گاز می‌پیوندد.

اکنون سؤال اساسی این است که چرا دلاوران سانچی تا آخرین لحظه کشتی را ترک نکرده‌اند؟

احتمالا در حال تلاش برای نجات کشتی بودند؛ اما اینکه چرا کریستال چینی در بهترین موقعیت به ضعیف‌ترین جای سانچی ضربه زد، جای سؤال است؟

بدبینانه‌ترین تحلیل این است که هنگامی که آنها به هر دلیلی از وقوع برخورد مطمئن شدند، سعی کردند خسارت خودشان را به حداقل برسانند. این یعنی مسیر به گونه‌ای طراحی شد که با دماغه به کمر سانچی برخورد کنند. همه اینها را در یک فضای ملتهب چند ۱۰دقیقه‌ای به همراه ضعف چینی‌ها در برقراری ارتباط به انگلیسی و اخلاق و منش چینی که بارها در تجارت و اقتصاد مسبوق بوده است، ترکیب کنید. اما آتش سه ضلع دارد که شامل ماده سوختنی، گرما یا شعله و اکسیژن یا هواست. ماده سوختنی در برخورد با کریستال از ضعیف‌ترین جای کشتی به بیرون نشت کرده و با هوا ترکیب شده است؛ اما باید در جست‌وجوی آن بود که شعله، جرقه و دما از کجا به مجموعه اضافه شده است. در واقع همین «عامل» بوده که در لحظه برخورد باعث انفجار شده است. اظهارنظر و دفاع آقای بروجردی از چینی‌ها نیز در نوع خود جالب است! درحالی‌که با توجه به نبود اطلاعات کافی و نیاز به بررسی کارشناسی و دقیق حادثه و تحلیل یافته‌ها از جعبه سیاه، حداقل سؤالی که پرسیده می‌شود این است که چگونه کریستال در بهترین حالت به ضعیف‌ترین جای سانچی برخورد کرد؟

در پایان بی‌مناسبت نیست یاد و خاطره همه عزیزان ازدست‌رفته صنعت نفت به‌ویژه سانچی و رگ‌سفید را گرامی داریم. درود خود را نثار تمامی تلاشگران و فعالان عرصه اقتصاد می‌کنیم.

خبر

ابتکارات جدید دولت برای تأمین مالی پروژه‌های عمرانی

● معاون‌اول رئیس‌جمهور با بیان اینکه مشکل عمده پروژه‌های عمرانی کشور محدودیت منابع مالی است، از ابتکارات جدید دولت برای تأمین مالی خبر داد و گفت: در افتتاح قطعه یک آزادراه تهران-شمال تأخیر داریم. به گزارش تسنیم، اسحاق جهانگیری در حاشیه بازدید از عملیات اجرائی آزادراه همت-کرج، اظهار کرد: پروژه‌های مهم آزادراهی‌ای در کشور داریم که در حال ساخت هستند. یکی از این پروژه‌ها، آزادراه تهران-شمال است که به یک داستان ادامه‌دار تبدیل شده است. او با بیان اینکه فعالیت این پروژه مناسب است، تصریح کرد: قرار بود امسال فاز اول (قطعه ۱) این آزادراه به بهره‌برداری برسد؛ اما به نظر می‌رسد تأخیر دارد. معاون‌اول رئیس‌جمهور با بیان اینکه خوشبختانه عملیات اجرائی آزادراه تهران- شمال بالاست، افزود: آزادراه دیگری که اطراف تهران است، آزادراه همت-کرج است که پروژه بسیار مهمی به‌شمار می‌آید. جهانگیری با بیان اینکه در مسیر تهران-کرج، مردم در ترافیک سنگین چندساعته معطل می‌شوند، اظهار کرد: وضع عملیات اجرائی این پروژه نیز با سرعت خوبی در حال انجام است و تا چند ماه آینده تکمیل‌شده و در اختیار مردم قرار می‌گیرد. او با بیان اینکه پروژه بزرگ دیگر اطراف تهران کمربندی چرم‌شهر-آبیک است، گفت: مهم‌ترین محدودیت ما در پروژه‌های آزادراهی، محدودیت منابع است. توان اجرائی کشور در احداث تونل‌های بزرگ و پروژه‌های آزادراهی بسیار بالاست و هم‌اکنون می‌توانیم تونل‌های پنج تا شش‌کیلومتری را بسازیم. در پروژه آزادراه همت-کرج یک کیلومتر تونل داریم که در حال ساخت است. معاون اول رئیس‌جمهور تصریح کرد: مهم‌ترین بخش از امکانات ما قدرت فکر جوانانمان است که از آن غفلت شده. به گزارش ایسنا، اسحاق جهانگیری عصر دیروز در ادامه سفر یک‌روزه‌اش به استان البرز، در سخنانی در مراسم افتتاح هم‌زمان طرح‌های صنعتی و دارویی که در شرکت داروسازی «سیناژن» برگزار شد، گفت: جای خوشحالی دارد که در این شرکت یک خانم، مدیرعامل است که با وزیر هم کل‌کل می‌کنند و در کارشان جدی هستند.

برداشت ۲۰هزارمیلیاردتومانی از صندوق توسعه ملی حذف شد

● بر اساس مصوبه کمیسیون تلفیق، بند و تبصره۴ لایحه بودجه دولت که مربوط به برداشت ۲۰هزارمیلیاردتومانی از منابع صندوق توسعه بود، به‌طور کامل حذف شد. به گزارش تسنیم، کمیسیون تلفیق بودجه بند و تبصره ۴ لایحه دولت را که مربوط به برداشت ۲۰هزارمیلیاردتومانی از منابع صندوق توسعه ملی بود، به‌طور کامل حذف کرد. حذف این جدول در حالی انجام شده است که دولت برای گنجاندن شش ردیف برای برداشت از منابع صندوق، به مواد قانونی برنامه ششم توسعه مصوب مجلس شورای اسلامی استناد کرده است. گفتنی است فقط چهار ردیف پیشنهادی مربوط به تسویه پاداش صدمیلیاردی پایان خدمت بازنشستگان آموزش‌وپرورش، حمل‌ونقل ریلی، ساماندهی بافت‌های فرسوده و ساماندهی حمل‌ونقل عمومی کنار طرح آب‌رسانی روستایی از استناد برنامه ششم توسعه برخوردار نبوده‌اند.

دلار ۴۵۵۰ تومانی و ورود دوباره بانک مرکزی

● بعد از آنکه نرخ دلار در بازار آزاد از چهارهزارو ۵۵۰ تومان عبور کرد، باخبر شدیم برخی از صرافی‌های منتخب از سوی بانک مرکزی، دلار را با قیمت چهار هزارو ۴۸۵ تومان دریافت کرده‌اند. به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، تلاطم بازار ارز در خیابان فردوسی، موجب شده دلار امروز اوج بگیرد و از چهارهزارو ۵۵۰ تومان عبور کند. صراف‌های خیابان فردوسی می‌گویند: از هفته قبل که سیر جدید افزایش قیمت‌ها در این بازار آغاز شده، بانک مرکزی ارزی به صرافی‌ها نداده است. همین موضوع موجب شده قیمت‌ها هر روز بیشتر از روز قبل شود. از صبح روز گذشته قیمت دلار سیر جدید صعود را در پیش گرفت و از چهارهزارو ۵۰۰ تومان به چهارهزارو ۵۵۷ تومان هم رسید. فعالان بازار علت اصلی افزایش قیمت را کمبود ارز در بازار می‌دانند. یکی از صراف‌ها می‌گوید: ژن‌های خوب، بازار را به‌هم ریختند. او تأکید دارد برخی افراد سرمایه‌دار که ژن‌های خوب بازار ارز محسوب می‌شوند، امروز دلارهایشان را نفروختند و باعث گرانی دلار شدند.

کاهش قدرت خرید کارگران نسبت به ۱۰ سال گذشته

● یک کارشناس حوزه کار می‌گوید قدرت خرید مردم و کارگران نسبت به ۱۰ سال گذشته نه‌تنها ثابت مانده است، بلکه در برخی از موارد کاهش یافته است. به اعتقاد او، دولت باید برای رونق تولید و بازار کار، بنگاه‌های اقتصادی را حمایت و سبد معیشت کارگران را تقویت کند. علی‌اکبر لبافی در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: امروز با دو چالش اساسی در کشور مواجه هستیم؛ یکی بحث قدرت خرید مردم و کارگران که خود را در بازار مصرف هم نشان داده و دیگری قیمت تمام‌شده تولید.